

پلیس و راهبردهای وضعی پیشگیری از جرم

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۱۰

مهدی مقیمی^۱، سید عزیز رفعتی اصل^۲

چکیده

مسئله و هدف: امروزه پلیس با بهره‌گیری از علوم مختلفی از جمله پیشگیری وضعی، جرایم را می‌تواند تشخیص دهد و تحلیل کند و راهکارهایی برای رفع آنها ارائه دهد و از این رهگذر عملکرد خود را نیز ارزیابی کند. هدف اصلی این مقاله، تبیین نحوه شناسایی یک جرم در قالب یک معضل اجتماعی، معرفی کاراترین تدابیر پیشگیرانه وضعی و چگونگی انتخاب یک پاسخ پیشگیرانه در جهت رفع آن است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع تألیفی به زبان اصلی (انگلیسی)، کتاب‌ها و مقالات تألیفی و ترجمه‌ای، سایت‌های اینترنتی، قوانین مدون داخلی و خارجی و برخی از طرح‌های اجرا شده نگاشته شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که لزوم پیشگیری از جرم بر مبنای عقلانی‌تورم بزهکاری، وجه اقتصادی و اجتماعی است. اما علی‌رغم مطالب زیادی که هر ساله درباره پیشگیری از جرم و امور پلیسی منتشر می‌شود، مبنای علمی مدوتی وجود ندارد که نشان‌دهنده موارد مؤثر و غیرمؤثر در این امور باشد.

نتایج: نتایج این پژوهش گویای آن است که انتخاب راهکارهای پیشگیرانه، تعیین اولویت‌های پیشگیری، اجرای هدفمند و در نهایت کاهش جرم، جمله‌گی به شناخت عمیق ماهیت معضل موردنظر و تحلیل دقیق و بومی آن بستگی دارد.

کلید واژه‌ها: پلیس / پیشگیری وضعی / جرم / معضل / شهروندان /

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، m_moghimi@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه امام خمینی (ره)

مقدمه و بیان مسئله

در گذشته‌ای نه چندان دور تنها نظام عدالت کیفری، مسئول تأمین امنیت و حل و فصل کلیه وقایع مجرمانه چه در مرحله پیشگیری و چه پس از وقوع جرم به حساب می‌آمد. انتظار عمومی از نظام عدالت کیفری، از طریق دو محور اصلی یعنی «پلیس» و «فانون» تأمین می‌شد. در این حیطه، اقدامات پلیس بیشتر به پس از وقوع جرم معطوف و در برگیرنده اشکال سنتی امور پلیسی بود.

مقوله امنیت و تأمین آن، که از نتایج ذاتی مقابله با جرایم است، از هنگام پیدایش حیات و از ابتدای خلقت بشر مطرح^۱ و انسان همواره در پی یافتن راهی برای مقابله با جرم و تأمین امنیت خویش بوده است. به تدریج اجتماعات شکل می‌گیرند، تعاملات انسانی افزایش می‌یابد و همسو با اجتماعی شدن بشر، امنیت نیز در حوزه مسایل اجتماعی مطرح می‌شود (علی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۲).

بنابراین، انسان در طی اعصار مختلف همواره برای تأمین امنیت خود، در صدد رفع این معضل اجتماعی بوده است. با پیشرفت علم به ویژه در دو قرن اخیر، محققان عرصه جرم شناسی عوامل مختلفی را برای وقوع پدیده مجرمانه بررسی کرده‌اند که توفیق زیادی در این زمینه حاصل شده است. از جمله دستاوردهای این پیشرفت‌ها، توسعه علم پیشگیری از جرم است. البته بیشتر نظریه‌های جرم شناسی در پی کشف علل بزهکار شدن اشخاص هستند. این نظریه‌ها به بررسی علل دور بزهکاری نظیر تربیت دوران کودکی، ساختار ژنتیکی، علل روان شناسی و اجتماعی می‌پردازند. ارزیابی این نظریه‌ها بسیار مشکل است، زیرا میزان اعتبار و صحت آنها چندان معین نیست. در این میان جرم شناسی پیشگیری ضمن بررسی علل وقوع پدیده مجرمانه، با ارائه تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه، سعی در پیشگیری از وقوع جرم دارد.

مقاله حاضر در دو بخش کلی نگاشته شده است که بخش اول به شناسایی ماهیت، نوع، عامل و ... جرم به عنوان یک معضل اجتماعی می‌پردازد و بخش دوم تصویری از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیرانه وضعی را با تأکید بر نقش پلیس در

۱. در این زمینه آیه ۲۸ سوره مبارکه مائده درباره سخن هابیل به قابیل می‌فرماید: «اگر تو به کشتن من دست برآوری، من هرگز به کشتن تو دست دراز نخواهم کرد که من از خدای جهانیان می‌ترسم».

اجرای آنها ارائه می‌دهد. علی‌رغم مطالب زیادی که هر ساله دربارهٔ پیشگیری از جرم و امور پلیسی منتشر می‌شود مبنای علمی مدّونی وجود ندارد که نشان‌دهندهٔ موارد مؤثر و غیر مؤثر در این امور باشد (گلوریالی کاک^۱، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

چرا پیشگیری؟

اگر در صدد پیشگیری اصولی از جرم باشیم، باید به بررسی و تحلیل علل آن بپردازیم. لزوم پیشگیری از جرم دارای منطقی عقلانی است. منطقی عقلانی پیشگیری از جرم حداقل دارای سه وجه است: ۱- تورم بزهکاری؛ ۲- وجه اقتصادی؛ ۳- وجه اجتماعی.

درباره تورم بزهکاری، آمارهای رسمی در ایران به ویژه در مورد نوجوانان و جوانان نشان دهنده افزایش نرخ بزهکاری است. این بررسی‌ها در سال ۱۳۷۹ فقط در مورد جرایم مواد مخدر نشان می‌دهند که هر روز، ۵۰۰ نفر نوجوان به جرگه معتادان می‌پیوندند. بر همین مبنا در سال ۱۳۸۲ اعلام می‌شود که سن اعتیاد در کشور ۵ سال کاهش یافته است (محمدی اصل، ۱۳۸۳: ۶۲). از سوی دیگر، به حداقل رسیدن فاصله زمانی میان وقوع اولین ناهنجاری تا ارتکاب اولین جرم حرفه‌ای، و عدم پابندی به قانون از سوی ۶۴ درصد تا ۷۰ درصد مردم جامعه (بتولی، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۹) حکایت از تورم میزان بزهکاری دارند. تورم بزهکاری تنها گریبان‌گیر کشور ما نیست بلکه مسئله‌ای جهانی است. این دغدغه تا آنجاست که سازمان ملل متحد تا سال ۱۹۹۵ حداقل ۱۰ کنگره تشکیل داده و چندین قطعنامه با موضوع پیشگیری از جرم تصویب کرده است.

وجه اقتصادی ناشی از گزینش عقلانی است؛ بدین معنا که انسان موجودی حساب‌گر است و در انتخاب‌های خود به محاسبه سود و زیان خویش دست می‌زند. تحقیقات در مورد نفع اقتصادی برخی از طرح‌های پیشگیرانه مانند مراقبت‌های اوان کودکی به عنوان یک راهکار پیشگیرانه اجتماعی نشان می‌دهد که به ازای هریک دلار هزینه، تا ۷/۵ دلار صرفه جویی به دنبال داشته است. یا مثلاً هزینه

1. Gloria Laycock

کمک به دانش آموزان برای اتمام تحصیل و عدم ترک مدرسه، هشت برابر کمتر از هزینه های برخورد نظام عدالت کیفری با بزهکاری های آتی آنان است (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۲۲). از سوی دیگر، حل و فصل جرم از طریق عدالت کیفری بسیار هزینه بر است که هزینه جرم، معادل ۵ درصد و در کشور های توسعه یافته، ۱۴ درصد تولید ناخالص ملی است^۱. مبنای جنبه اجتماعی منطق عقلانی، خیرخواهی و نوع دوستی انسان ها است.

با اوصاف فوق اگر مسئولیت برنامه ریزی و اجرای تدابیر پیشگیرانه جدی گرفته نشود، پیامدها و آثار به مراتب و خیم تری بر جامعه تحمیل خواهد شد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این مقاله، تبیین نحوه شناسایی یک جرم در قالب معضلی اجتماعی، معرفی کاراترین تدابیر پیشگیرانه وضعی و چگونگی انتخاب پاسخی پیشگیرانه در جهت رفع آن است. همچنین مهم ترین اهداف فرعی تحقیق حاضر عبارت است از:

۱. تبیین ضرورت مداخله نهادهای جامعه و شهروندان در پیشگیری از جرم.
۲. تبیین ارتباط نظری پیشگیری وضعی با انجام امور پلیسی.
۳. شناسایی مؤلفه های معضلات اجتماعی، طبقه بندی آنها و محیط های وقوع این معضلات.
۴. شناسایی در دسترس ترین عامل وقوع معضلات اجتماعی.
۵. تبیین کاربردی ترین راهکارهای پیشگیرانه وضعی در حیطه امور پلیسی.

پیشینه تحقیق

بسیاری از جرم شناسان معتقدند که غالب راهکارهای پلیس در زمینه پیشگیری از جرم، از جنس تدابیر پیشگیرانه وضعی هستند، اما با وجود این، در ایران

1. Crimeprevention DigestII, obtained:Crime prevention of Center for the International prevention-intl.org.p2.

تحقیقات معدودی در این زمینه انجام شده است. در زیر با توجه به محتوای مقاله حاضر به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود:

محمد نسل (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «رویکردهای پلیسی برای پیشگیری از جرم» ضمن بیان نقش پلیس به عنوان مهم‌ترین نهاد مجری پیشگیری از جرم، به رویکردهای موجود در این زمینه را بررسی کرده است. در این مقاله رویکرد عمده پلیس برای پیشگیری از جرم به همراه راهکارهای اجرایی آن ذکر شده است. مؤلف در این مقاله این‌گونه نتیجه می‌گیرد که آگاهی از رویکردهای پلیسی پیشگیری از جرم، بسیار سودمند است و زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که در انتخاب دو رویکرد، به مؤلفه‌های اصلی در این زمینه از جمله تناسب با فرهنگ جامعه، نحوه بومی سازی راهکارها، مقدرات و تجهیزات پلیس و ... توجه شود.

وروایی و بهربر (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اثربخشی الگوهای پلیس سنتی و نوین در پیشگیری از جرم» الگوهای حاکم بر پلیس سنتی را که عمدتاً مبنی بر خدمات رسانی است با الگوهای حاکم بر پلیس نوین که مبتنی بر انجام امور پلیسی مسئله محور، جامعه محور و انجام امور پلیسی در نقاط جرم خیز است، بررسی می‌کند. مؤلفان این‌گونه نتیجه می‌گیرند که ادله ضعیفی مبنی بر اثربخشی الگوهای سنتی پلیس در پیشگیری از جرم وجود دارد. اما در مورد اثربخشی الگوهای نوین امور پلیسی در پیشگیری از جرم گرچه ادله موجود بیانگر اثربخشی این الگوها هستند، اما نتیجه گیری قطعی منوط به گذشت زمان و انجام تحقیقات بیشتر است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع تألیفی به زبان اصلی (انگلیسی)، کتاب‌ها و مقالات تالیفی و ترجمه‌ای، سایت‌های اینترنتی، قوانین مدون داخلی و خارجی و برخی از طرح‌های اجرا شده با هدف پیشگیری از جرم نگاشته شده است.

مبانی نظری

پلیس و پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی رویکردی است که بدون توجه به شخصیت مجرم، تلاش برای اصلاح آن یا حذف تمایلات مجرمانه، صرفاً به دنبال کاهش فرصت‌های مجرمانه است. تمرکز پیشگیری وضعی بر محیط‌هایی است که جرم در آن محقق می‌شود، نه بر کسانی که مرتکب جرم می‌شوند. این نوع پیشگیری با تحلیل شرایطی که موجب ارتکاب انواع جرایم می‌شود، در پی تغییر مدیریت و محیط است به طوری که رفتار مجرمانه مشکل‌تر، خطرناک‌تر، کم‌مزیت‌تر و دارای توجیه‌پذیری کمتری شود. اقدام‌های پیشگیرانه وضعی شامل قبل و بعد از وقوع جرم می‌شود. این تئوری، نه بردستگاه عدالت کیفری بلکه بر سازمان‌های عمومی، خصوصی و نهادهایی تأکید دارد که خدمات، محصولات و نحوه عملکردشان فرصت‌هایی را برای طیف وسیعی از جرایم فراهم می‌کند؛ نظیر مدارس، بیمارستان‌ها، سیستم حمل و نقل، فروشگاه‌ها، صنایع تولیدی، شرکت‌های مخابرات، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، پارک‌ها، امکانات تفریحی، پارکینگ‌ها و مکان‌های عمومی.

تا چند دهه پیش صرفاً تقنین کیفری و پلیس را مسئول کاهش جرم می‌دانسته‌اند. ساز و کارهای پیشگیرانه دولت‌ها نیز معمولاً از جنس تقنین بوده است.^۱ تقنین و اجرای قوانین از سوی پلیس، تنها روش یا بهترین روش کاهش جرم نیست و در بسیاری از موارد تأثیر آن بر کاهش جرم نامشخص است. برای تحقق

۱. مهم‌ترین مقرراتی که در ایران به نوعی به پیشگیری از جرم مربوط می‌شوند، عبارت است از: قانون برنامه نخست و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال‌های ۱۳۶۸، ۱۳۸۳، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳، آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر سال ۱۳۷۶، قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶، قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، ماده ۱ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷، ماده ۱۳۰ اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۸۱/۶/۱۷ هیئت وزیران ماده ۱ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۶/۸.

پیشگیری از جرم باید از مرزهای متعارف حقوق کیفری و مجریان آن فراتر رفت و جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... را به صورتی فعال دخیل کرد.

هم اکنون پلیس علاوه بر انجام امور سنتی پلیسی به عنوان نهادی اجتماعی، در تعامل مستقیم با جامعه و شهروندان، یکی از نهادهای حل مسئله نیز به‌شمار می‌آید. بنابراین، پلیس علاوه بر نقش ضابطیت که جنبه واکنشی دارد، نقش پیشگیرانه و کنشی نیز دارد. پلیس جامعه محور امروزی در راستای تحقق اصل مسئله محوری به دنبال رفع هرگونه دغدغه ای است که از سوی جامعه به عنوان معضل تلقی می‌شود. حل هر مسئله یا معضل اجتماعی در این نوع از امور پلیسی مبتنی بر دو اصل کلی است که عبارت‌اند از: کنترل فرصت‌ها و وسایل جرم‌زا، با حذف یا تقلیل پیش شرط‌های بزهکاری؛ و نظارت بر بزهکار و بزه‌دیده بالقوه، با کاهش مواجهه بزهکار و بزه‌دیده بالقوه.

در این زمینه پلیس با بهره‌گیری از علوم مختلفی نظیر جرم‌شناسی (روان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، زیست‌شناسی جنایی)، آمار، پزشکی و... سعی در پیشگیری از معضلات اجتماعی، کاستن از آثار زیان‌بار آنها و ترمیم و بازسازی کلیه آسیب‌هایی دارد که به واسطه پیدایش این معضلات به وجود آمده‌اند. به طوری که امروزه مأمور پلیس را می‌توان کارشناس جرایم، تحلیلگر جرم، حل و فصل‌کننده معضلات اجتماعی و نهادی دانست که به واسطه برخورداری از تعاملات مثبت و سازنده با سایر نهادهای اجتماعی، نقش چشمگیری در پیشگیری از معضلات اجتماعی و کاهش آنها دارد. از سویی هر جرم ریشه در عوامل بی‌شمار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فردی و... دارد؛ بنابراین برای پیشگیری از وقوع آن، سازمان پلیس باید با نهادهای جامعه و به ویژه شهروندان تعاملی مستقیم برقرار کند. این تعامل در صورتی به پیشگیری از جرم موفق خواهد شد که پلیس به موارد زیر توجه کند: (۱) رفتارهای مجرمانه را عمیقاً بررسی کند، (۲) حوزه ای وسیع از تدابیر را برای پیشگیری از هریک از این رفتارها مورد توجه قرار دهد و (۳) اثر بخشی کار خود را بر اساس انتخاب راهکاری هدفمند و جدید به طور دقیق‌تر بسنجد.

جرم به مثابه یک معضل اجتماعی

جرم یعنی همان رفتاری که توسط قانون گذار با اوصاف مشخص تعیین می‌شود؛ در جرم شناسی و علوم اجتماعی به عنوان معضل و مسئله اجتماعی نگریسته می‌شود. از این دیدگاه معضل عبارت است از یک سری وقایع تکرار شونده، زیان بار و مرتبط در سطح جامعه که مردم از پلیس انتظار دارند آنها را رفع کند. با توجه به این تعریف عناصر اصلی یک معضل عبارت‌اند از:

جامعه: معضل باید به گونه ای باشد که عموم مردم یا بخشی از افراد جامعه آن را تجربه کنند.

زیان باری: مردم و نهادها باید از معضل متضرر شوند. در بعضی موارد، پلیس باید به رفتاری که از نظر قانونی جرم نیست نظیر آلودگی صوتی رسیدگی کند.

انتظارات: جامعه باید از پلیس انتظار داشته باشد که علل زیان بار بودن را پیگیری کند. انتظار نباید انتزاعی بلکه باید مستند باشد.

وقایع: باید مجموعه وقایعی را که باعث پیدایش معضل می‌شوند، شناسایی کرد. معضلات از وقایع مجزا تشکیل شده‌اند. وقایع، مواردی مانند ورود به عنف (برای سرقت از منزل)، حمله به دیگری، مسایل جنسی، سر و صدای زیاد و... هستند.

تکرار: وقایع باید تکرار شوند. ممکن است تکرار حاکی از معضلی حاد یا مزمن باشد. معضلات حاد، ناگهانی ظاهر می‌شوند مانند محله‌ای که در آن، میزان سرقت کم است، اما به طور ناگهانی افزایش می‌یابد. در بسیاری موارد، اگر به معضلات حاد رسیدگی نشود، به معضلی مزمن تبدیل می‌شوند.

وجه اشتراک: وقایع مکرر باید وجه اشتراکی داشته باشند. برای مثال ممکن است، معضل توسط شخص واحدی ارتکاب یابد یا در شرایط و اوضاع مشابهی به وقوع پیوسته یا آلت ارتکاب یکسان بوده یا اینکه در یک یا چند عامل دیگر وجه اشتراک داشته باشند. بدون وجود ویژگی مشترک، تنها شاهد مجموعه ای از وقایع اتفاقی خواهیم بود. با وجود همین ویژگی‌های مشترک است که وقایع به

معضل تبدیل می شوند. برای مثال، سرقت وانت از حومه یک شهر برای استفاده کولی ها در داخل شهر (کلارک و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۱۵).

برای پیشگیری از معضلات باید آنها را به طور دقیق بررسی کرد. با بررسی دقیق کلیه جزئیات، معمولاً مجموعه شرایط ایجاد کننده وقایع زیان بار را از مجموعه شرایط افزایش دهنده این وقایع تفکیک می کنند. در این راستا سؤال‌های زیر کمک کننده است، که باید در مرحله بررسی به آنها پاسخ داده شود:

- چه کسانی تحت تأثیر معضل قرار می گیرند؟
- چه خساراتی از معضل وارد می شود؟
- از پلیس انتظار چه واکنشی می رود؟
- چه نوع وقایعی در پیدایش معضل مؤثرند؟
- مقطع زمانی تکرار این وقایع چیست؟
- وجه اشتراک وقایع با یکدیگر چیست؟

نوع معضل

با طبقه بندی معضلات می توان به دقت آنها را تعریف و معضلات به ظاهر مشابه را از یکدیگر تفکیک کرد. در عین حال این امکان فراهم می آید تا بتوان معضل مورد نظر را با معضلات شناسایی شده مشابه، مقایسه کرد و ویژگی های مهم آنها را شناسایی کرد. شیوه‌های گوناگونی برای طبقه بندی معضلات در امور پلیسی وجود دارد. شیوه‌ای که در زیر ارائه می شود مبتنی بر دو معیار کلی است که عبارت‌اند از: ۱- محیطی که معضل در آنجا شکل می‌گیرد، ۲- رفتار اشخاص دخیل در معضل. تفکیک با استفاده از این دو معیار کمک می‌کند که بتوانیم جنبه های مهم آسیب، سوءنیت و روابط حاکم میان آماج جرم و بزهکار را بشناسیم (اک و کلارک^۱، ۲۰۰۳: ۴-۲۱۳).

محیط از طریق فعالیت هایی که اشخاص در آنها انجام می دهند یا کسانی که آنها را اداره می کنند، امکان دسترسی به آماج جرم را فراهم می آورند. شناسایی نوع

1. Eck, John and Ronald Clarke

محیط، امکان مقایسه محیط های معضل دار و بدون معضل را فراهم می آورد. محیط ها مالکانی دارند که می توانند در رفع معضل نقشی مهم ایفا کنند. به طور کلی ۱۰ نوع محیط وجود دارد که با مسائل پلیسی مرتبطند و عبارتند از:

محیط های مسکونی: نظیر خانه ها، آپارتمان ها و اتاق های هتل. گرچه اغلب آنها در مکان هایی ثابت قرار دارند، اما برخی نیز نظیر وسایل نقلیه تفریحی متحرک اند.

اماکن تفریحی: نظیر رستوران ها، سینماها، زمین های بازی، بندرگاه ها و پارک ها.

ادارات: محل انجام امور اداری و دفتری که تعامل نزدیک و رو در روی کارکنان و ارباب رجوع در این اماکن وجود دارد و غالباً امکان دسترسی به این اماکن نیز کم است نظیر اماکن دولتی و تجاری.

اماکن تجاری و بازارهای غرفه دار: مکان هایی که اشخاص می توانند پیاده یا سواره در آنجا رفت و آمد و معامله کنند نظیر فروشگاه ها و بانک ها.

اماکن صنعتی: این اماکن محل تولید اجناس و کالاهاست. در این محل ها، معاملات نقدی در زمره فعالیت های با اهمیت محسوب نشده و مشتری حضور کم رنگی دارد. کارخانه ها، انبارها و محل بسته بندی کالاها از جمله این مکان ها هستند.

محیط های کشاورزی: محل هایی برای پرورش محصولات کشاورزی، دام و طیور.

اماکن آموزشی و مذهبی: اماکنی برای مطالعه یا یادگیری از جمله مراکز بهزیستی، مدارس، دانشگاه ها، کتابخانه ها و اماکن مذهبی.

مراکز ارائه دهنده خدمات عمومی: اماکنی که مردم در صورت بروز مشکل به آنها مراجعه می کنند نظیر زندان ها، ادارات پلیس، بیمارستان ها و مراکز ترک اعتیاد.

معايير عمومی: کلیه مسیرهایی که محیط های دیگر را به هم مرتبط می سازد مانند جاده ها و پیاده روها.

وسایل و پایانه‌های حمل و نقل: مکان‌هایی که جابه‌جایی توده‌ای عظیم از مردم در آنجا صورت می‌گیرد؛ مانند اتوبوس‌ها، ترمینال‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، هواپیماها، فرودگاه‌ها، قطارها، ایستگاه‌های راه‌آهن، قایق‌ها، اسکله‌ها، کشتی‌های مسافربری و ایستگاه‌های قایق‌ها.

اماکن بلاصاحب: مناطقی بدون استفاده مشخص یا کاربردهای از پیش تعیین شده نظیر ساختمان‌های متروکه و اموال بلاصاحب. دومین ضابطه در طبقه‌بندی معضلات «رفتارها» هستند. در کل شش نوع رفتار وجود دارد:

رفتار شکارگرانه: در این نوع از رفتار بزهکار و بزه‌دیده هیچ‌گونه رابطه‌ای با هم ندارند. اغلب جرایم متداول نظیر سرقت مقرون به آزار، سرقت ازمنازل، کودک‌آزاری و... از این دسته‌اند.

رفتار رضایی: رفتاری است که طرفین به صورت آگاهانه و با رغبت اقدام به انجام آن می‌کنند، نظیر فروش مواد مخدر، معامله اموال مسروقه و... .

رفتارهای تهاجمی: بروز رفتار خشونت‌آمیز از سوی هر دو طرف دعوی (درگیری) که بر اثر سوابق قبلی طرفین ایجاد می‌شود. برخی از انواع خشونت‌های خانوادگی میان بزرگسالان از این نوع رفتار است، اما خشونت‌های خانوادگی میان کودکان و بزرگسالان در دسته رفتارهای شکارگرانه جای می‌گیرد.

بی‌نظمی‌های اجتماعی: در این نوع رفتار، بزهکاران از بزه‌دیدگان قابل تفکیک هستند، اما آسیب‌ها جدی و شدید نبوده و بسیاری از اشخاص بزه‌دیده می‌شوند. بسیاری از مسائل که آزاردهنده، ناخوشایند و با آلودگی‌های صوتی همراه است، اما آسیب‌های جدی به افراد و اموالشان وارد نمی‌آورند در این دسته جای می‌گیرند؛ نظیر میهمانی‌های پرسر و صدا. برخی از موارد بی‌نظمی‌های اجتماعی صرف نظر از محیط‌شان معضل‌آفرین می‌شوند، در حالی که برخی دیگر تنها در محیط‌های مشخصی معضل‌آفرین می‌شوند.

در معرض خطر بودن: در این نوع از رفتار، بزه‌دیده و بزه‌کار هر دو یک شخص است یا بزه‌کار قصد آسیب زدن به بزه‌دیده را ندارد. نظیر شروع به خودکشی، مصرف بیش از حد مواد مخدر و تصادفات رانندگی.

سوءاستفاده از پلیس: تقاضاها و درخواست‌های تعریف نشده و بدون توجیه در خصوص استفاده از خدمات پلیسی در این نوع از رفتار جای می‌گیرد. گزارش‌های خلاف واقع و تماس‌های مکرر در خصوص موضوعاتی که مردم خود نیز می‌توانند به آنها رسیدگی کنند، از این دسته است. از این شاخه رفتاری در مواردی که آسیب تنها از رفتاری ناشی شود که برخورد با آن مستلزم به کارگیری منابع پلیسی باشد و نیز در مواردی استفاده می‌شود که در هیچ یک از شاخه‌های دیگر جای نگیرد.

اگر چه بیشتر معضلات تنها در یک محیط و رفتار جای می‌گیرند، اما گاهی مواردی یافت می‌شود که یک معضل از چندین رفتار ناشی می‌شود و چندین محیط را درگیر می‌کند. پلیس می‌تواند با دسته‌بندی معضلات بررسی و تحلیل کند که آیا راهکار مؤثری یا راه حل متداولی برای این معضلات وجود دارد یا خیر و آیا تحلیل‌ها و راهکارهای انواع دیگر معضلات متمایز است؟

شناسایی عامل معضل

حل معضلات معمولاً مستلزم همکاری فعالانه اشخاص و سازمان‌هایی است که پس از قبول مسئولیت، در رفع معضلات ناموفق عمل کرده‌اند. این دسته از اشخاص و سازمان‌ها مسئولیت حل معضلات را از دوش خود برداشته و آن را روی دوش مردم و پلیس می‌گذارند. از این رو، یکی از امور مهم در این زمینه وادار کردن این اشخاص به قبول مسئولیت است. به همین خاطر حل هر معضلی مستلزم پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر خواهد بود:

الف) عامل اصلی به وجود آمدن معضل کیست؟ در مواقعی که معضل در محیط خاصی به وجود می‌آید، شناسایی عامل اصلی آن کار چندان سختی نخواهد بود،

زیرا در این گونه محیط ها عامل اصلی بروز معضل، صاحب آن مکان است. برای مثال، مسئول به وجود آمدن یک مشکل در یک پارک، سازمان متصدی آن خواهد بود.

ب) چرا معضل حاد شده است؟ این پرسش چهار مرحله توضیحی دارد که هم به تنهایی و هم در کنار یکدیگر، اکثر معضلات به وجود آمده را توجیه می کند:

۱. گاهی اوقات یک سازمان قادر به پیشگیری از جرم نیست. این مسئله از نبود منابع کافی ناشی می شود. از این رو، پی بردن به اهمیت رویه های نهادینه شده بسیار حیاتی خواهد بود.

۲. برخی سازمان ها پیشگیری از جرایمی را که وقوعشان به واسطه فعالیت های آنها آسان شده رغبت چندانی نشان نمی دهند، زیرا معتقدند پیشگیری از جرایم صرفاً وظیفه پلیس است (برای مثال، متصدیان پمپ های بنزینی که سرقت های مکرر بنزین در آن جا به وقوع می پیوندد، وجود سارقان را معضل می دانند، نه بی توجهی خود نسبت به گرفتن پول پیش از تحویل بنزین را). برخی اشخاص به جای آنکه نقش فرصت را در ارتکاب جرم مورد توجه قرار دهند، فقط روی نقش پلیس تمرکز می کنند.

۳. برخی سازمان ها به خاطر هزینه های پیشگیری نسبت به این مسئله بی میلی نشان می دهند؛ این سازمان ها از نادیده گرفتن جرم بیشتر سود می کنند نه ضرر. از دید آنها هزینه های رفع معضل از منافی که نصیب آنها می شود بسیار بیشتر خواهد بود.

۴. برخی سازمان ها از ارتکاب جرم بیشتر سود می برند. فروشندگان اجناس دست دوم یا گاراژهای تعمیر خودرو می توانند قطعات سرقتی خودروها را ارزان تر خریداری کرده و از این طریق سود خود را افزایش دهند (کلارک و اک، ۲۰۰۹: ۴۳).

ج) وادار کردن عامل اصلی بروز معضل به پیشگیری از آن: بهترین اقدام پلیس در این زمینه استفاده از راهبردهای جلب مشارکت های مردمی و تعامل با

نهادهای جامعه است. طراحی و اجرای موفق بسیاری از راهکارهای پلیس، مستلزم مشارکت و همکاری همه جانبه و دلسوزانه همه نهادهای اجتماعی به ویژه شهروندان با پلیس است. زیرا عوامل خطر اعم از موقعیت ها و فرصت ها کاملاً به یکدیگر مرتبط هستند. بنابراین، پاسخ به چنین عواملی نیز باید ترکیبی و تلفیقی باشد.^۱ از طرفی مخاطبان و ذی نفعان [سودبران] اصلی پیشگیری از جرم، مردم و جامعه هستند. بنابراین، کارایی تدابیر پیشگیرانه منوط به آن است که این گونه تدابیر در میان طیف وسیعی از سازمان ها، نهادها و شهروندان توزیع شود. در این زمینه قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ انگلستان بدون در نظر گرفتن هیچ بودجه‌ای، پلیس و ادارات محلی را ملزم به جلب مشارکت سایر نهادها برای پیشگیری از جرم کرده است.

پرفسور «هرمن گلدشتاین» از بنیان انجام امور پلیسی جامعه محور، اقداماتی را که باید برای واگذار کردن مسئولیت حل معضل از دوش پلیس به دوش نهادهای به وجود آورنده آن انجام شوند را به ترتیب ذکر کرده است (اسکات^۲، ۲۰۰۵: ۳۱۵).

۲. در همین راستا «برنامه حمایت از کودکان» از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ با همکاری و مشارکت بسیاری از نهادهای جامعه و شهروندان در آلمان؛ و برنامه «دیوار نویسی» در بلژیک با هدف پیشگیری از برخی جرایم و ناهنجاری ها به اجرا درآمد که ارزیابی هر دو برنامه، حکایت از اجرای موفقیت آمیز توأم با نتایج مطلوب داشته اند (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۳۶ تا ۴۲).

2. Scott

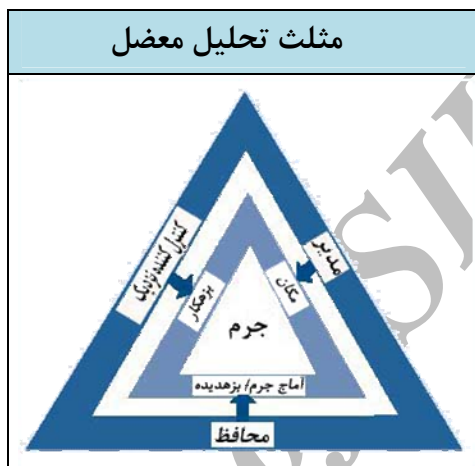
اقدامات پیشنهادی هرمن گلدشتاین برای واگذاری مسئولیت	
برخورداری از حداقل همکاری / حداکثر سختی	<ul style="list-style-type: none"> - اقامه دعوایی مدنی - وضع قانون برای اجباری نمودن پیشگیری - درنظر گرفتن هزینه‌های خاص برای ارائه خدمات پلیسی - کنار گذاشتن خدمات پلیسی - شرمنده نمودن مردم - ایجاد سازمانی جدید برای پذیرش مالکیت - درگیر نمودن یک سازمان دیگر - مطرح نمودن مستقیم درخواست‌ها - مطرح نمودن غیررسمی و بی‌پرده درخواست‌ها - اجرای برنامه‌های آموزشی
↑	
برخورداری از حداکثر همکاری / حداقل سختی	

با شناخت ماهیت معضل، نوع و عامل آن، تحلیل مقدماتی مربوط به معضلات به پایان می‌رسد. در بخش دوم به ذکر چند راهبرد و راهکار کلان در جهت پیشگیری مؤثر از جرم پرداخته می‌شود.

مثلث تحلیل جرم (معضل)

یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی محیطی، «نظریه فعالیت‌های روزمره» است که توسط لورنس کوهن و مارکوس فِلِسُن مطرح شد. این نظریه از جمله نظریه‌های کاربردی و متمرکز برای پیشگیری از جرم است. مطابق نظریه مذکور، جرم شکارگرانه هنگامی ارتکاب می‌یابد که بزهکار بالقوه و آماج مناسب جرم، در زمان و مکان واحدی با هم مواجه شده و محافظانی (عوامل انسانی یا تجهیزات) که قادر به پیشگیری از جرم یا کنترل آن هستند، در آن لحظه حضور نداشته باشند. از سویی احتمال وقوع جرم، مختص زمان‌ها و مکان‌های خاصی است و با تحقق این احتمال، جرم در سایر زمان‌ها و مکان‌ها واقع نمی‌شود. بنابراین، در صورت پیشگیری وضعی از جرم در یک محل یا زمان، گزینه‌های محدودی برای بزهکاران وجود خواهد داشت و از طرفی بزهکاران مایل و قادر به ارتکاب جرم در

هر محلی نخواهند بود. این ساختار به شکل گیری مثلث جرم منتهی شد، سه ضلع این مثلث نشان دهنده بزهکار، آماج جرم و موقعیت مکانی و عوامل پیشگیرانه مؤثر بر جرایم ارتكابی از سوی هر یک از عوامل مذکور است.



عامل پیشگیرانه برای آماج جرم/ بزه دیده، محافظان توانای پیشگیری یا کنترل است. اغلب مردم، خود از جان، مال، اعضای خانواده، دوستان و همکارانشان محافظت می کنند. محافظ شامل پلیس و محافظان خصوصی تأمین امنیت نیز می شود. در این زمینه ماده ۴ قانون نیروی انتظامی به اشکال مختلف، حمایت از بزه دیدگی ناشی از جرایم مختلف را تبیین کرده است. گرچه این نوع حمایت از مصادیق پیشگیری وضعی تلقی می شود، اما باید توجه داشت که استفاده از راهکارهای صرفاً پلیسی یا اجرای آنها صرفاً توسط پلیس، کارایی چندانی نخواهد داشت. بررسی ۳۶ مطالعه مرتبط با یکدیگر نشان می دهد که استفاده از تعداد نیروی بیشتر پلیس، باعث کاهش جرم نخواهد شد (شرمن و همکاران^۱، ۲۰۰۲: ۳۶ و ۲۲۸).

برای بزهکار، کنترل کننده های نزدیک در نظر گرفته شده است. کنترل کننده های نزدیک کسانی اند که بزهکار را به خوبی می شناسند و در موقعیتی اند که

1. Lawrence W. Sherman and et Al

می‌توانند رفتار او را کنترل کنند. نظیر والدین، خواهر و برادر، معلمان، دوستان و همسر.

عامل کنترل کننده مکان نیز فردی است که او را مدیر می‌نامیم. در واقع مالک یا منتصبی که مسئولیت کنترل رفتارها در مکانی معین برعهده اوست، مانند راننده اتوبوس یا معلم مدرسه، مالک در املاک استیجاری یا مهمان دار هواپیما یا زن خانه دار.

برای ارتکاب یک جرم، وجود تمام عناصر مثلث داخلی لازم است و هیچ یک از عناصر مثلث خارجی نباید وجود داشته یا ضعیف عمل کنند. برای مثال، حتی اگر بزهکاران بالقوه نیز همواره حضور داشته باشند، جرم تنها زمانی واقع می‌شود که محافظان نباشند. این امر بدان معناست که در صورت فقدان محافظ، حتی بدون افزایش تعداد بزهکاران، جرایم می‌توانند افزایش یابند. پس تغییر و اصلاح برنامه محافظان راهکار مناسبی است. برای پیشگیری از جرم باید مثلث تحلیل جرم را در قبل، حین و پس از ارتکاب جرم در نظر گرفت (جیل داندو^۱، ۲۰۰۴:۱۳۲).

با آگاهی از این که فرصت‌های جرم‌زا چگونه باعث پیدایش معضلات می‌شوند، می‌توان از کنترل کننده‌های نزدیک برای پیشگیری از تکرار جرم توسط بزهکاران بهتر استفاده کرد. همچنین به بزه‌دیدگان کمک کرد تا کمتر آماج جرم قرار گرفته و اماکنی نظیر مدارس، مهمان سراها یا پارکینگ‌ها که ممکن است محل ارتکاب جرم باشند را به گونه مورد نظر (عاری از جرم) تغییر داد.

این مثلث، مجموعه اطلاعات را روی این شش عنصر متمرکز می‌کند، با این کار احتمال بیشتری می‌رود که بتوان به راهکارهای عملی رسید.

فرصت ارتکاب جرم

جرم شناسی سنتی عوامل روان شناختی و اجتماعی بزهکاری را معرفی می‌کند، به این امید که راهکارهایی تا بتوان این عوامل را تغییر داد. اما در پیشگیری وضعی به این امر توجه نمی‌شود که آیا فرد بزهکار زاده می‌شود یا در جامعه

1. Jill Dando Institute

بزهکار می‌شود، بلکه بحث را فارغ از فرآیند بزهکار شدن فرد، به «روند ارتکاب جرم» معطوف می‌کند. این علم در جست‌وجوی راه‌هایی است که بتواند فرصت‌های جرم‌زا و وسوسه‌های ارتکاب جرم را کاهش دهد. نظریه پردازی در این نوع جرم‌شناسی به تعامل طیف گسترده‌ای از رشته‌ها از جمله، روان‌شناسی، جغرافیا، پزشکی، برنامه‌ریزی شهری و معماری نیاز دارد. شالوده‌یافته‌های جرم‌شناسان محیطی، عبارت است از «فراهم شدن فرصت‌های مناسب، باعث ارتکاب جرم می‌شود». آنها معتقدند اگر زمینه ارتکاب جرم وجود داشته باشد به تبع آن، میزان ارتکاب جرم نیز افزایش می‌یابد.

تصور کنید هیچ کنترل و نظارتی بر اماکن وجود نداشته باشد، هیچ قفلی نباشد، گمرک‌ها کنترل نشوند، وجه نقد در جایی تنها گذاشته شود، هیچ نظارتی بر کتابخانه‌ها نباشد، بلیط‌ها، چمدان‌ها و وسایل مسافران در ایستگاه قطار کنترل نشود، چراغ راهنمایی وجود نداشته باشد و... آیا میزان جرایم تغییر نخواهد کرد؟

در دهه ۱۹۲۰، محققان موقعیتی را فراهم کردند تا دانش‌آموزان بتوانند در امتحانات درسی تقلب کرده، در مورد تقلب خود دروغ گفته و تکه‌های چیده شده روی پازل را برابیند. محققان دیگری در پاکت نامه‌های دارای نشانی گیرنده و تمبر، مقداری پول قرار داده و در چند خیابان پخش کردند. هدف آنها این بود که ببینند آیا کسی نامه را به نشانی روی آن پست می‌کند یا خیر؟ مورد بعدی انجام تحقیقی در آزمایشگاه بود، از افراد نمونه خواسته شد که چند نفر را به دلیل سرپیچی از دستورالعمل آزمون با یک دستگاه الکتریکی شوک بدهند (اما در واقع هیچ شوکی از دستگاه منتقل نمی‌شد).

نتایج این آزمون‌ها، گویای وجود رابطه علیت بین «فرصت» و «ارتکاب جرم» بود. بیشتر افراد، حتی کسانی که در برابر تحریک‌ها مقاومت بیشتری نشان دادند، فرصت‌های فراهم شده برای بروز رفتارهایی چون تعرض به حقوق دیگران یا نیرنگ استفاده کردند. این موقعیت‌ها فرصت‌هایی بودند که شاید این افراد هیچ‌گاه به طور تصادفی با آنها مواجه نمی‌شدند، بلکه به دلیل شرکت در این تحقیقات برای آنها فراهم شده بود. در این زمینه شواهد زیر قابل توجه هستند:

در انگلستان شواهد و دلایل زیادی وجود دارد که همگی گویای این مطلبند که «فرصت» نقش به‌سزایی در ارتکاب خودکشی داشته است. در سال ۱۹۵۰، نیمی از کسانی که مرتکب خودکشی شده، از گاز شهری حاوی گاز کشنده مونوکسید کربن استفاده کرده بودند. آنها با قرار دادن سرشان داخل فرگاز آشپزخانه خودکشی می‌کردند. در سال ۱۹۶۸ گاز طبیعی فاقد مونوکسید کربن، جایگزین گازی شد که از نفت گرفته می‌شد که تقریباً خودکشی با آن غیر ممکن بود. با انجام این تغییر، تا اواسط سال ۱۹۷۰ آمار خودکشی با گاز به کمتر از یک درصد تقلیل یافت. مسئله جالب توجه این است که روش دیگری برای خودکشی، جایگزین خودکشی با گاز نشد (فلسون و کلارک^۱، ۱۹۹۸: ۲۲).

«فرصت» نقش مهمی در ارتکاب قتل عمد ایفا می‌کند. هم اکنون میزان قتل عمد در آمریکا بسیار بالاست، زیرا اکثر مردم مجاز به حمل اسلحه اند، به خصوص اسلحه کمری در حالی که در انگلستان این طور نیست. مقایسه‌ها نشان می‌دهد که در دسترس بودن اسلحه (یک موقعیت ارتکاب جرم) نقش مهمی در ارتکاب قتل عمد دارد (اسلوگان و دیگران^۲، ۱۹۹۸: ۳۱۹).

به اعتقاد برخی از محققان پیشگیری وضعی، فرصت نه فقط در طیف مشخصی از جرایم بلکه در کلیه جرایم نقش دارد. به عبارتی می‌توان گفت در کلیه جرایمی که بزهکار با اراده و تصمیم خویش مرتکب جرم می‌شود به طور قطع یکی از عوامل کلیدی تحقق جرم، موفقیت و فرصت بوده است؛ زیرا بزهکار با توجه به موقعیت پیش رو اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸: ۱۲).

در این زمینه بند ۷ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ قابل توجه است که با نص صریح موقعیت تحقق طیف وسیعی از جرایم را سلب می‌کند: «جمع آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیر مجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر نگهداری و مصرف مجاز مواد ناریه...».

1. Felson, Marcus and Ronald Clarke
2. Sloan, John and colleagues

تحلیل منافع بزهکار

برای تحلیل جرایم باید جرم را از دیدگاه بزهکار نگریست و دریافت که چرا بزهکار مرتکب جرم شده است. منظور ما یافتن دلایل روان شناسی و جامعه شناسی نیست، بلکه منافی است که بزهکاران در جست و جوی آن هستند. در بسیاری مواقع تأثیر ژنتیک نیست که سارقان را به سمت بانک می کشاند، آنها از بانک سرقت می کنند، زیرا می خواهند پولی به دست آورده یا امرار معاش کنند. دانستن اینکه بزهکاران چگونه مرتکب جرم می شوند به همان اندازه از اهمیت برخوردار است که بدانیم چرا مرتکب جرم می شوند. نظریه انتخاب عاقلانه به این سؤالها پاسخ می دهد. فرض این تئوری این است که بزهکار با ارتکاب جرم، تنها در جست و جوی منافی (هر چند اندک و کوتاه بینانه) است که از نظر عقلایی مقرون به صرفه باشد. در این تئوری به این موضوع توجهی نمی شود که آیا بزهکار در نهایت موفق به کسب منافع مورد نظر خواهد شد یا خیر؟ این نیز بدین خاطر است که به ندرت پیش می آید که بزهکاران همه اطلاعات مورد نیاز را در اختیار داشته و روند ارتکاب جرم را به دقت برنامه ریزی کنند. رفتار ارتكابی آنها متضمن مواجهه با خطر بوده و در بسیاری از موارد به هدف خود نمی رسند. اما باید دانست که بزهکاران برای ارتکاب جرم، لاقلاً لحظاتی تفکر می کنند. فرضیه مزبور (جست و جوی منافع) مبنای تصمیم گیری در تمام فعالیت های روزمره ماست.

برای درک روند ارتکاب جرم باید دریافت که در هر مرحله چه کاری انجام شده است؟ آماج های جرم چگونه انتخاب شده اند؟ بزه دیدگان چگونه مغلوب شده یا فریب خورده اند؟ بزهکار چگونه از دست پلیس فرار کرده است؟ و چگونه از شر اموال (رَبوده یا کلاهبرداری شده و...) خلاص شده؟ خلاصه اینکه باید به دنیای بزهکار وارد شد. تصور ما بر این است که جرم در یک لحظه اتفاق می افتد. فقط چند ثانیه لازم است تا یک گردنبنند در خیابان قاپ زده شود، یک جیب بری صورت گیرد یا یک خودرو به سرقت رود و... در واقع قاپ زدن یک گردنبنند یا سرقت از منازل فقط مرحله ای است از مراحل متعددی که برای تکمیل هر یک از این جرایم لازم است. برای

پیشگیری علمی از هر جرم پلیس باید ضمن انجام تحلیلی هدفمند، هر واقعه را با نگاهی جرم شناختی به تفصیل مورد بررسی قرار دهد.

۸۴

پلیس و راهبردهای وضعی پیشگیری از جرم

گام‌های جرم سواری خودروی مسروقه و راهکارهای به هم پیوسته		
راهکارها	مراحل	گام‌ها
نظارت بر فروش وسایلی نظیر حس‌گرهای اثر انگشت (یا دست) و کلید یدک	تهیه مقدمات	تهیه وسایل (مانند پیچ‌گوشتی، کلید یدک و...) انتخاب شریک جرم
نصب موانع در پارکینگ‌ها؛ نگهبان پارکینگ؛ ورودی‌های کمتر	فرایند ورود	ورود به پارکینگ
دوربین مداربسته و یا گشتی‌های منظم برای بازداشتن ولگردان	شرایط تحت کنترل درآوردن	پرسه زدن بدون جلب توجه دیگران
حفاظت دیداری از خودروهای تحریک‌آمیز (برای سرقت)	انتخاب سوژه	از کار انداختن دزدگیرها انتخاب خودروی مناسب
دوربین مداربسته برای نظارت بر رفتارهای مشکوک؛ بهبود نظارت طبیعی از پارکینگ؛ دزدگیر خودرو؛ قفل‌کننده خودرو	تکمیل سرقت	وارد شدن به خودرو (کلید یدک، استفاده از پیچ‌گوشتی) لخت کردن سیم‌های استارت خودرو روشن کردن خودرو با به یکدیگر زدن سیم‌های استارت
نگهبان پارکینگ یا دیگر موانع خروجی فعال کردن ردیاب خودرو؛ محدود کردن زمان تردد با خودرو؛ نظارت بر مراکز خیابانی فروش خودرو (شیطان بازارها).	لذت و هیجان پس از اتمام جرم	خروج از پارکینگ راندن خودرو برای تفریح رها کردن خودرو در زمینی بایر آتش زدن خودرو

در بسیاری از انواع سرقت‌های معمولی و سرقت مقرون به آزار منافی که از این امر حاصل می‌شود روشن است، اما واقعاً معلوم نیست که بزهدکار با ارتکاب جرایمی نظیر خشونت‌های بانندی، تخریب اموال عمومی یا دیوارنویسی در پی تحصیل چه منافی است.

شناسایی سطح توقع بزهکاران

انتخاب بزهکاران بر اساس انتظاراتشان از فرصت‌های موجود است. دانستن این که بزهکاران معضلات را چگونه می‌بینند، در پیشگیری از جرم از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا کارایی تدابیر پیشگیرانه به سطح توقعات بزهکاران از موقعیت‌های مستعد بزهکاری بستگی دارد. تغییر طراحی محیط موجب می‌شود که توقعات بزهکاران نیز فرق کرده و تغییر موضع دهند. این توقعات، رفتار بزهکاران را تحت تأثیر قرار داده و در صورت تغییر، پی درپی الگوهای ارتکاب جرایم را تغییر می‌دهند.

در بسیاری از موارد، اقدامات پیشگیرانه مانع ادامه فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. البته اقدامات پیشگیرانه، همیشه به نتایج مورد نظر دست نمی‌یابند. گاهی بدین خاطر که بزهکاران از اقداماتی که در آن محل صورت می‌گیرد، اطلاع کامل ندارند و متوجه افزایش احتمال دستگیری نشده‌اند. در دیگر موارد، ممکن است بزهکاران در جهت مخالف خود را با اقدامات پیشگیرانه سازگار کنند. سازگاری‌های منفی ممکن است به صورت جابه‌جایی بزهکاری یا سازگاری بلند مدت نمایان شود (دکرو دیگران^۱، ۲۰۰۴:۱۰۸).

جابه‌جایی بزهکاری

هنگامی اتفاق می‌افتد که بزهکاران رفتارشان را به نحوی تغییر دهند که مانع از اجرای تدابیر پیشگیرانه شوند. جابه‌جایی تهدیدی در راه اجرای اقدامات پیشگیرانه است، اما می‌توان آن را تا حدودی برطرف کرد (اما عدم وقوع آن نیز غیر ممکن نیست). بررسی‌ها نشان داده‌اند که در بسیاری از برنامه‌های پیشگیری وضعی، میزان جابه‌جایی کم بوده یا اصلاً وجود نداشته و اگر جابه‌جایی نیز مشاهده شد، به ندرت توان مقابله و رویارویی با مزایای پیشگیرانه را داشته است

1- Decker, Scott

- (هلسینگ^۱، ۱۹۹۴: ۴). مطابق نظریه جابه‌جایی بزهکاری، با اجرای راهکارهای پیشگیرانه، جرم ممکن است حول پنج محور زیر جابه‌جا شود:
- ۱- انتقال جرم از محلی به محل دیگر (مکانی).
 - ۲- تغییر زمان ارتکاب جرم از زمانی به زمان دیگر (زمانی).
 - ۳- انتقال سیبل جرم به آماجی دیگر (آماج).
 - ۴- تغییر نحوه ارتکاب جرم (شیوه و ترفند).
 - ۵- ارتکاب جرم دیگری به جای جرم مورد نظر (نوع جرم).

سازگاری

به فرآیند بلند مدتی اطلاق می‌شود که به موجب آن، همه جمعیت بزهکار پس از اجرای تدابیر پیشگیرانه در یک محله، با ارتکاب جرم جدیدی آنجا را آسیب‌پذیر می‌کنند. سازگاری هنگامی اتفاق می‌افتد که بزهکاران خلاق، آرام آرام شیوه‌های جدیدی برای ارتکاب جرم یافته یا از تغییر فرصت‌ها استفاده کنند (اکبلوم^۲، ۱۹۹۷: ۲۴۹-۲۶۵). پس از اجرای تدابیر پیشگیرانه، میزان جرایم کاهش خواهد یافت. اما دیر یا زود بزهکاران راه جدیدی برای ارتکاب جرم می‌یابند.

در برخی مواقع بزهکار، اجرای تدابیر پیشگیرانه را راه مشروع یا موجه ندانسته و به جای عدم ارتکاب جرم، مرتکب جرایم بیشتری می‌شود. این کار معمولاً به نحوه عملکرد پلیس مربوط می‌شود، برای مثال، «حضور شتاب زده پلیس» می‌تواند عاملی برای تحریک جمعیت باشد (کلارک و ویسبرگ^۳، ۱۹۹۴: ۸۴).

تمرکز بر اشیا، اماکن و اشخاص در معرض خطر

یکی از مهم‌ترین قواعد پیشگیری این است که جرم تا حد بالایی نسبت به اشخاص، اماکن و اشیا معینی واقع می‌شود. این پدیده را عرفاً «قاعده ۲۰-۸۰»

1- Hesselting, Rene
2. Ekblom, Paul
3. Clarke, Ronald and David Weisburd

نامیده اند. مطابق این قاعده، ۲۰ درصد از مسئله ای پدید آورنده ۸۰ درصد نتایج حاصله است. در عمل به ندرت پیش می‌آید که این نسبت دقیقاً ۲۰-۸۰ باشد. اما همیشه درصد کمی از امور یا گروه‌ها، به وجود آورنده درصد زیادی از نتایج هستند (کلارک و اک، ۲۰۰۸: ۷۶). بنابراین قاعده، اگر منابع پیشگیری، در محل وقوع اکثر جرایم به کار گرفته شوند پیشگیری بیشترین تأثیر را خواهد داشت. مهم‌ترین اشخاص، اشیا و اماکن در معرض خطر عبارت‌اند از:

• **تکرارکنندگان جرم:** یکی از اصول مطرح در پیشگیری وضعی آن است که کمترین بزهکاران، مرتکب بیشترین جرایم می‌شوند. هر چند ممکن است فقط افزایش میزان خطر نسبت به بزهکاران از سوی پلیس، محور برخی از راهکارهای پیشگیری از جرم باشد، اما توصیه می‌شود برای افزایش بازداشت تکرارکنندگان جرم، با احتیاط و مصلحت‌اندیشی عمل شود؛ زیرا ممکن است علاوه بر عدم حصول موفقیت، به منابع^۱ عظیمی نیاز باشد. پلیس باید توجه داشته باشد که شاید خصیصه‌های اصلی بزه‌دیده یا اماکن آسیب‌پذیر، همچنان به همان صورت باقی مانده و تغییر نکرده باشند و به همین دلیل بدیهی است که آنها برای سایر بزهکاران (علاوه بر تکرارکنندگان جرم) نیز جذاب باشند (کالن و همکاران^۲، ۲۰۰۲: ۳۷). از این رو، کاراترین و مؤثرترین تدابیر کاهش جرم، شامل مساعی بلند مدت پیشگیری از جرم نسبت به بزهکار و بزه‌دیده می‌شود.

• **بزه‌دیدگان مکرر:** با توجه به مطالعات مؤثق در مورد پدیده تکرار بزه‌دیدگی، کمترین اشخاص متحمل بیشترین تعداد بزه‌دیدگی می‌شوند (ویسل^۳، ۲۰۰۴: ۱۸). از سویی به دلیل کمبود منابع پلیس و لزوم تخصص‌گرایی در این زمینه و با عنایت به اوصاف زیر به نظر می‌رسد، پلیس با پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی بتواند کارایی خود را در پیشگیری از جرم ارتقا دهد:

۱. از جمله مهم‌ترین این منابع عبارت است از منابع مالی. لازم به ذکر است از میان کلیه قوانینی که در ایران در راستای پیشگیری از جرم به تصویب رسیده‌اند، فقط قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ است که به منابع مالی پیشگیری از جرم پرداخته است.

2-Cullen, Francis and colleagues
3- Weisel, Deborah

تکرار بزه‌دیدگی از جمله معیارهای اصلی تخصیص زمان و مکان است به این معنی که با سوژه ای واحد، به همه جرایم مرتبط می شود. بنابراین، پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی به طور طبیعی، منابعی را به مناطق جرم خیز، کانون های بحرانی جرم و آماج هایی با بیشترین میزان بزه‌دیدگی اختصاص می دهد (جانسون و دیگران^۱، ۲۰۰۴: ۲۳۷ تا ۲۵۷). مدیران پلیس می توانند از تکرار بزه‌دیدگی به عنوان شاخصی عملی، برای سنجش میزان کارایی از سطح محلی تا سطح ملی استفاده کنند. پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی علاوه بر تقویت قطره ای مثابه پیشگیری می تواند مولد اهداف مشترک و فعالیت های مثبتی میان پلیس و سایر نهادهای جامعه از یکسو و شناسایی مرتکبان جرایم وخیم و تکرار کنندگان جرم از سوی دیگر باشد (مقیمی، ۱۳۸۷: ۸).

• **فرآورده‌های در معرض خطر:** تمامی اجناس، به طور یکسان در معرض خطر جرایمی نظیر سرقت نیستند. تحقیقات نشان می دهد که اجناس برخوردار از پنج ویژگی زیر، بیش از سایر کالاها در معرض خطر جرم (به ویژه سرقت) هستند؛ پنهان شدنی، منقول، در دسترس، ارزشمند و قابل خرج.

• **اماکن پر خطر:** مکان هایی هستند که تعداد زیادی از مردم، به دلایل متعددی در آنجا جمع می شوند. این اماکن به دلیل جمع شدن آماج های بالقوه جرم در یک مکان و زمان، فرصت‌های بی نظیری را برای ارتکاب جرائم و بی‌نظمی‌های اجتماعی به وجود می‌آورد. میزان بالای جرایم و بی‌نظمی‌های اجتماعی به دلیل تعداد زیاد آماج های بالقوه جرم و اشخاصی است که از این مکان‌ها استفاده می کنند.

• **محل‌های بحرانی:** واژه محل‌های بحرانی^۲ از علم زمین شناسی اقتباس شده است. این واژه اولین بار توسط شرمن^۳ و برگر^۴ در سال ۱۹۸۹ برای تحلیل مکانی بزهکاری مورد استفاده قرار گرفت و بیان‌گر یک مکان یا محدوده جغرافیایی است

1-Johnson, Shane and Kate Bowers

2- Hot Spots

3- Sherman

4-Buerger

که میزان بزهکاری در آن بالاست. حدود این مکان می تواند بخشی از یک شهر، یک محله، چند خیابان مجاور و حتی ممکن است یک خانه یا یک مجتمع مسکونی باشد (کلانتری، ۱۳۸۶: ۹۱).

شرمن و همکارانش در مطالعه شهر میناپلیس دریافتند ۵۰ درصد تماس های تلفنی با پلیس تنها از ۳/۳ درصد کانون های شهری انجام گرفته است. در گره های شهری نظیر پایانه های مسافربری، ایستگاه های حمل و نقل و برخی گذرها و معابر یا برخی مناطق حاشیه ای شهر احتمال شکل گیری کانون های جرم خیز بیشتر است. از جمله معیارهای تشخیص و تعیین نقاط جرم خیز عبارت است از: شیوع جرم، مشخص بودن حدود و وسعت محل وقوع جرایم و برخورداری از مقطع زمانی در مورد تکرار جرم (اسکات و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۸۹). ممکن است نقاط جرم خیز در طول زمان از بین بروند یا جابه جا شوند یا در اندازه و وسعت آنها دگرگونی حاصل شود. هم اکنون اصطلاح کانون های جرم خیز به حدی وسعت یافته که از محدوده مکانی فراتر رفته و به اشیاء، کالاها یا اشخاص در معرض بیشترین خطر نیز تسری یافته است. محل های بحرانی را می توان به سه جزء تقسیم کرد که عبارت اند از: نقاط بحرانی (اماکن یا آدرس های مشخص)، مسیرهای بحرانی (خیابان ها و جاده ها) و مناطق بحرانی (محله ها).

در این زمینه بندهای ۱۰ و ۱۴ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، با بیان عبارات «مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی» و «نظارت بر اماکن عمومی» می توانند تا حدودی توجه قانونگذار را به این گونه مسیرها و اماکن نشان دهد.

عموماً تبدیل نقطه بحرانی جرم به معضلی بزرگ تر از سه مسئله ناشی می شود: افزایش تعداد آماج های جرم یا تعداد بزهکارانی که از این نقاط بهره برداری می کنند یا کاهش میزان کنترلی که در آن محل اعمال می شده است. گاهی ممکن است هر سه مورد با هم اتفاق بیفتند.

با عنایت به توضیحات بالا، در بررسی هر معضل، همیشه باید جویا شد که آیا قاعده ۲۰-۸۰ حاکم است یا خیر؟ فرآیند شش مرحله‌ای زیر نشان می‌دهد که چگونه می‌توان به این سؤال پاسخ داد.

۱. از اماکن، اشیا و افراد بزه‌دیده با احتساب وقایع مرتبط با هر یک از آنها فهرستی تهیه کنید.

۲. با توجه به تعداد وقایع مرتبط، از زیاد به کم آنها را مرتب کنید.

۳. درصد وقایع مرتبط با هر شخص، مکان یا فرآورده را محاسبه کنید.

۴. درصدهای مربوط به وقایع را با هم جمع کنید، از مبتلایان فرد، اشیا یا مکان شروع کنید.

۵. درصدهای مربوط به افراد، مکان‌ها یا اشیا را با هم جمع کنید.

۶. مجموع درصدهای اشخاص، مکان‌ها و اشیا را با مجموع درصدهای وقایع مقایسه کنید. این امر نشان دهنده آن است که مبتلایان فرد یا مکان چقدر در معضل مورد نظر دخیل است.

ارتکاب زیاد جرایم بر این طیف از اشیا، اماکن و اشخاص، نشان دهنده جذابیت آنها برای بزه‌کاران است. اما از حیث مسافت طی شده توسط بزه‌کار برای ارتکاب جرم بر اشیا، اماکن و اشخاص مزبور نیز آیا می‌توان وجود رابطه‌ای جرم‌شناسی را نشان داد؟ شاید دانستن این موضوع جالب باشد که بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند مسافتی که برای ارتکاب جرم طی می‌شود، اغلب کوتاه است. بزه‌کاران عموماً در یک یا دو مایلی منازلشان مرتکب جرم می‌شوند. برای مثال، آندی برایول در اداره پلیس وست میدلند، یکی از بزرگ‌ترین ادارات پلیس انگلستان، ۲۵۸۰۷۴ مورد عزیمت بزه‌کاران برای ارتکاب جرم در طول ۲ سال را تحلیل کرده است (ویلز و همکاران^۱، ۲۰۰۰، ۲۵۱). او با این تحلیل به نکات زیر دست یافته است:

- حدود نیمی از عزیمت‌ها، مسافتی کمتر از یک مایل بوده‌اند.

1. Wiles, Paul and Andrew Costello

• طول مسیر با توجه به نوع جرائم متفاوت است. برای مثال دله دزدان از مغازه‌ها، نسبت به دیگر بزهکاران مسافت بیشتری را طی کرده‌اند.

• زن‌ها نسبت به مردها مسافت بیشتری را طی کرده‌اند، احتمالاً بدین خاطر که اکثراً مرتکب دله دزدی می‌شوند.

• بزهکاران در عزیمت برای ارتکاب جرم بسیار متفاوت از یکدیگرند. برخی از آنها در محله خود مرتکب جرم شده‌اند و برخی دیگر مسافت بیشتری را طی کرده‌اند، خصوصاً هنگامی که با دیگر بزهکاران در ارتکاب جرم شرکت کرده‌اند.

• بزهکاران نوجوان، در مناطقی بسیار نزدیک به منزل خود مرتکب جرم می‌شوند، در حالی که بزهکاران ۲۰ ساله و بالاتر مسافت بیشتری را طی کرده‌اند. ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که اجرای هر گونه راهکار یا اتخاذ هر گونه تدبیری، نیازمند بررسی‌های متنوعی است. از سویی استفاده از تجربه‌های دیگر حوزه‌های قضایی، شهرها و در نهایت، کشورها می‌تواند در زمینه پیشگیری از جرم بسیار ثمربخش باشد. اما از جمله مهم‌ترین نکات در این گونه موارد، نحوه بومی‌سازی راهکارهایی است که سابق بر این در زمان یا مکان دیگری به اجرا درآمده‌اند. یکی از راه‌های کلیدی و کاربردی در بومی‌سازی راهکارها و راهبردهای پیشگیری از جرم و نحوه اجرای آنها عبارت است از توجه دقیق به دو نکته: ۱. مکانیسم تدبیر یا راهکار مورد نظر، ۲. زمینه‌سازی برای اجرای تدبیر یا راهکار.

بنابراین، نمی‌توان به صراحت و به روشنی کارایی یک راهکار پیشگیرانه را تأیید کرد. از حیث ساز و کار باید به مسائلی نظیر میزان جرایم منطقه مورد نظر، هزینه راهکار، مدت زمان اجرای آن، قابلیت نهاد یا سازمان مجری و ... توجه کرد. از نظر زمینه اجرا، باید به مکان و موقعیت مورد نظر در اجرای راهکار توجه شود. پس می‌توان به این نتیجه رسید که «هیچ راه حل آماده‌ای برای کاهش یا رفع جرم نیست». از همین رو است که در شرایط کنونی، ضرورت تخصصی شدن پلیس و سایر نهادهای مسئول پیشگیری از جرم در مقابله با جرایم به ویژه در بخش تجزیه و تحلیل و تمهید راهکار از هر زمان دیگری آشکارتر است. برخورد با جرایم بحث بسیار

پیچیده ای است برای همین راهکارهای به کار گرفته شده تاکنون موفق به کاهش بنیادی جرایم نشده است.

نتیجه گیری

جامعه امروزی آکنده از پیشرفت هایی است که شیوه زندگی مردم را با چند دهه گذشته غیر قابل مقایسه ساخته است. اطلاعات، اینترنت و وسایل ارتباطی به گونه ای است که انسان را بی نیاز از مصرف وقت یا هزینه کلان برای انجام هر نوع کاری می سازد. دانش، آگاهی و مهارت شهروندان روز به روز ارتقا می یابد و بر همین اساس سطح توقع آنها افزایش می یابد. پیشرفت فناوری، تخصصی شدن امور، منطقه ای و جهانی شدن برخی تبادلات و تعاملات، عدم نیاز به استفاده از حجم هنگفتی از پول نقد و ... جملگی زنگ های خطری هستند که مسئولان و مردم را از ازدیاد بی حد و حصر فرصت های ارتکاب جرم آگاه می سازد.

در چنین شرایطی اگر توقعات و خواسته ها، با وسایل مشروع تحقق نیابد استفاده از وسایل نامشروع شیوع خواهد یافت که نتیجه بارز آن ارتکاب جرم است. نکته مهمی که باید از این رهگذر نتیجه گرفت آن است که اگر به کاهش فرصت های جرم بیندیشیم، لزوم تقنین کیفری (با وجود نقایص و دشواری های آن) کمتر و جلب مشارکت های مردمی و نهادهای جامعه بیشتر خواهد شد.

پیشگیری وضعی به دنبال کاهش فرصت ها و موقعیت های وقوع جرم است و به دلایل و عواملی که باعث ارتکاب بزهکاری می شود توجهی ندارد. از این منظر پیشگیری وضعی بزه دیده محور است. در مجموع می توان این گونه نتیجه گیری کرد که برای تحلیل دقیق زمانی و مکانی جرم می توان از مثلث داخلی جرم استفاده کرد. سپس با در نظر گرفتن و اجرایی کردن مثلث خارجی جرم، احتمال مواجهه بزهکار و بزه دیده بالقوه یا فراهم آمدن شرایط مناسب برای ارتکاب جرم را به میزان قابل توجهی کم کرد و بدین وسیله از جرم پیشگیری کرد.

به طور قطع، یکی از عوامل ارتکاب جرم وجود فرصت مناسب است. بنابراین یکی از راه های مبارزه با بزهکاری از بین بردن فرصت ها و موقعیتی است که سبب وقوع

جرایم رایج می‌شود. شاید ملموس‌ترین جلوه لزوم جلب مشارکت‌های جامعه برای پیشگیری از جرم، حذف فرصت مناسب برای ارتکاب جرم باشد. بنابراین، کاراثرترین عملکرد پلیس در این مقوله، علاوه بر انجام امور پیشگیرانه استفاده از تدابیر مربوط به جلب مشارکت‌های جامعه است. برای تحلیل منافع حاصل از جرم، باید خود را به جای بزهکار گذاشت و جرم را نه یک پدیده واحد بلکه واقعه‌ای جرم‌شناختی دانست که دارای سناریویی تفصیلی است. در همین حین ممکن است بزهکاران خود را با شرایط پیشگیرانه جدید سازگار کنند یا از حیث زمانی، مکانی، نوع، شیوه ارتکاب یا آماج جرم، جرم را جابه‌جا کنند. وقوع جابه‌جایی بزهکاری در همه طرح‌های پیشگیرانه، قطعی نیست.

راهکار پیشنهادی دیگر تمرکز بر اشخاص، اشیا و اماکن در معرض خطر است. بنابراین راهکار، برای پیشگیری تخصصی از جرم، صرفه‌جویی در منابع و افزایش کارایی در اجرای پیشگیری، لازم است اشخاص، اماکن و اشیایی که در معرض خطر بیشترند شناسایی شوند و راهکارهای پیشگیرانه در همین محور اجرا شود. نکته کلیدی آن است که اشیا، اماکن و اشخاص در معرض خطر در مورد هر جرم متفاوت از سایر جرایم است. برای مثال، شناسایی موارد مذکور در مورد جرم سرقت متفاوت از عوامل مورد نظر برای شناسایی جرم تخریب، قتل عمد و ... است.

پیشنهادها

از آنجا که انتخاب و اجرای هر نوع راهکار پیشگیرانه وضعی، با تحلیل دقیق و شناخت ماهیت معضل انجام می‌شود، پیشنهاد می‌شود که:

۱. اقدام اساسی در شناسایی نقاط، اماکن، مسیرها و محل‌های بحرانی انجام شود. برای شناسایی علمی این موضوع، بررسی و تحلیل نظام‌مند لازم است. در این زمینه راهبردهای ارائه شده در مقاله حاضر راهبردهایی کلیدی محسوب می‌شوند. اما یکی از بهترین طرق ممکن برای اجرایی کردن این راهبردهای کلان، عبارت است از طراحی نظام جامع اطلاعات پیشگیری. در واقع باید نظامی را طراحی کرد که حاوی اطلاعات بومی از منابع گوناگون مرتبط با جرایم مختلف

باشد. در این نظام باید از کلیه اطلاعات جرم موجود در سازمان‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی و به ویژه شهروندان استفاده کرد. برای مثال، می‌توان اطلاعات زیر را از منابع زیر به دست آورد:

- از اطلاعات بیمه‌گذاری‌ها جهت کسب اطلاعات مال‌باختگانی استفاده کرد که لوازم منزل یا محل کار خود را بیمه سرقت کرده‌اند.
 - از بخش اورژانس بیمارستان‌ها اطلاعات مربوط به مجروحان یا مقتولان ناشی از ارتکاب جرایم را کسب کرد.
 - از اتحادیه‌ها یا کارگزاران فروشگاه‌های اجناس دست دوم، اطلاعات روزانه اجناس موجود را در جهت معامله اموال مسروقه کسب کرد.
 - از برخی از اماکن به ویژه فروشگاه‌های خیلی بزرگ و زنجیره‌ای می‌توان سوابق هر گونه جرایم واقع شده در آنها را اخذ کرد.
 - با مصاحبه از دست‌اندرکاران عرصه عدالت کیفری، مدیران، متصدیان اماکن و یا مردم بومی و اهل محل نیز اطلاعاتی کسب کرد.
 - از بزهکاران و بزه‌دیدگان اطلاعات چشمگیری به دست آورد.
- بهتر است که این نظام اطلاعات توسط تحلیل‌گران جرم و در سازمان پلیس تاسیس و تدوین شود؛ زیرا پلیس در سراسر کشور اولین نهادی است که با جرم مواجه می‌شود و براساس وظایف قانونی خود، مسئول پیشگیری از جرم، تحقیقات مقدماتی و کشف جرایم محسوب می‌شود. با تشکیل نظام جامع اطلاعات می‌توان به انجام تحلیل دقیق و علمی جرایم واقع شده در هر مکان، محل یا منطقه پرداخت و به شناسایی جرم خیزترین اماکن، محل‌ها و مناطق نایل آمد.
۲. از نقشه‌های جرم به شیوه‌ای بهینه بهره گرفته شود. با ترسیم نقشه جرم می‌توان به اطلاعاتی دست یافت که معمولاً نظام‌های اطلاعاتی یا نرم افزارهای تحلیل جرم از این اطلاعات برخوردار نیستند. برای کاربردی کردن این پیشنهاد باید در ترسیم نقشه جرم به نکات زیر توجه کرد:

- صرفاً از مهم‌ترین و سودمندترین اطلاعات بهره گرفته شود.
- نقشه‌ها ساده ترسیم شوند.

- از ترسیم اطلاعات کلی همه جرایم خودداری شود. بلکه صرفاً اطلاعات جرم موردنظر اما به تفصیل ترسیم شود.
- نقشه باید دارای مقیاس و جهت جغرافیایی باشد.
- در کنار نقشه بهتر است از جدول و شکل نیز استفاده شود.
- ویژگی منحصر به فرد نقشه‌های جرم این است که می‌توان پس از ترسیم مقدماتی نقشه، اطلاعات اضافی و غیرمرتبط با جرم یا جرایم موردنظر را از آنها حذف کرد و سپس شاهد دغدغه اصلی بود. نقشه‌های جرم، تصویرگر داستان حقیقی و عینی جرم هستند و می‌توانند متناسب‌ترین راهکار و طرق صحیح اجرای آن را در بسیاری از موارد در اختیار گذارند.
- ۳. پیشنهاد این مقاله آن است که جهت علت‌شناسی بحرانی بودن برخی اماکن، محل‌ها و مناطق، مطالعه موردی با معیارهای زیر انجام شود:
 - اماکن، محل‌ها و مناطق بحرانی به دقت تعریف و معین شوند. این کار را می‌توان با استفاده از نظام جامع اطلاعات، نقشه جرایم یا هرگونه سابقه یا فرایند تحلیلی دیگر انجام داد.
 - از اماکن، محل‌ها و مناطق بحرانی و غیربحرانی یک نمونه آماری انتخاب شود. این کار را می‌توان با انتخاب یک مجتمع آپارتمانی، یک خیابان یا یک محله بحرانی و غیربحرانی انجام داد.
 - از سایر اماکن، محل‌ها و مناطق غیربحرانی مجاور یا مشابه، یک نمونه به عنوان کنترل انتخاب شود. مکان یا محل یا منطقه کنترل باید عاری از جرم یا جرایم مورد نظر باشد.
 - نمونه کنترل با نمونه بحرانی مقایسه شود. این کار را با مقایسه مشخصه‌های جرم‌شناختی دو نمونه می‌توان انجام داد.

منابع:

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸). مجموعه رویه های بین المللی پیشگیری از جرم، تهران: انتشارات میزان.
- بتولی، محمد (۱۳۸۷). نقش و تعامل معاونت اجتماعی ناجا در مشارکت عمومی، همایش ملی پلیس و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری.
- علی نژاد، منوچهر (۱۳۸۷). «رویکردهای نظری به مسئله پیشگیری از جرم»، فصلنامه امنیت و نظم، شماره چهارم، سال اول، زمستان.
- لی کاک، گلوریا (۱۳۸۶). «پژوهش برای پلیس: چه کسی به آن نیاز دارد؟» مترجم: احسان جنابی و مجید رضایی راد، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره دوم، بهار.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۶). «بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم»، شماره سوم، سال دوم، تابستان.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۳). «اختلالات کارکردی خانواده، مدرسه و گروه همالان و تأثیر آن بر بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۶، بهار.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۶). «شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهری»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره دوم، سال دوم، بهار.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷). پلیس و پیشگیری از جرم، تهران: انتشارات پلیس پیشگیری و معاونت آموزش ناجا.
- مقیمی، مهدی (۱۳۸۷). «تکرار بزه دیدگی و راهکارهای پلیسی پیشگیری از آن»، اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، تهران: انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری.
- هاستینگس، رس (۱۳۸۷). «دورنمای پیشگیری از بزهکاری، مسایل و چالش ها»، مترجم: شهرام ابراهیمی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره هفتم، تابستان.

- فرجیها و دیگران (۱۳۸۷). «بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم، ساختار و سازمان پیشگیری از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره چهارم، پاییز.

-Clarke, Ronald and David Weisburd (1994). "Diffusion of Crime Control Benefits: Observations on the Reverse of Displacement". Crime Prevention Studies, volume 2. Monsey, NY: Criminal Justice Press (accessible at www.popcenter.org).

- Clarke, Ronald and phyllis Schultze (2004). Researching a problem. Problem- Oriented Guides for police, problem- Solving Tool Series No. 2. Washington, DC:Office of Community Oriented policing Services.

- clarke Ronald V. and John E. Eck(2009). crime analysis for problem solvers in 60 small steps, U.S Department of justice.

- Cullen, francis and colleagues(2002)."Environmental Corrections:Anew Framework for Effective probation and parole Supervision."Federal probation.

Crime prevention Digest II, obtained: Crime prevention of Center for the International prevention- intl.org.

- Decker, Scott (2004). Using Offender Interviews to Inform Police Problem-Solving Guide No. 3. Problem-Oriented Guides for Police, Problem Solving Tool Series.

- Eck, John and Ronald Clarke(2003)."Classifying Common police problems:A Routine Activity Approach."Crime prevention Studies, volume 16, edited by Martha Smith and Derek Cornish. Monsey, NY: CriminalJustice press.

- Eck, John, Spencer Chainey, and John Cameron(2005). Mapping Crime:Understanding Hot Spots. Washington, DC:U.S. Department of Justice, National Institute of Justice.

- Ekblom, Paul (1997). "Gearing up Against Crime: a Dynamic Framework to Help Designers Keep up with the Adaptive Criminal in a Changing World." International Journal of Risk, Security and Crime Prevention.

-Felson, Marcus and Ronald Clarke (1998). Opportunity Makes the Thief. Police Research Series, Paper 98. London: Home Office.

- Hesseling, Rene (1994). "Displacement: A Review of the Empirical Literature." Crime Prevention Studies, volume 3, edited by Ronald Clarke. Monsey, NY: Criminal Justice Press (accessible at www.popcenter.org).

- Johnson, Shane and Kate Bowers (2004). "The Burglary as Clue to the Future: The Beginnings of Prospective Hot-Spotting." *European Journal of Criminology*.

-Jill Dando Institute for Crime Science. (2004): www.jdi.ucl.ac.uk.

- Sherman, Lawrence W. and et Al. *Evidence* (2002). Based crime prevention, Routledge, London.

- Sloan, John and colleagues (1988). "Handgun Regulations, Crime, Assaults, and Homicide." *The New England Journal of Medicine*.

- Scott, Michael (2005). "Policing for prevention: Shifting and Sharing the Responsibility to Address public Safety problems." *Handbook of Crime Prevention and Community Safety*, Nick Tilley. Cullompton U.K.:Willan.

- Weisel, Deborah (2004) *Analyzing Repeat Victimization, Problem Solving Tool Series, No.2*. Washington, D.C.:Office of Community Oriented Policing Services, U.S.Department of Justice.

- Wiles, Paul and Andrew Costello (2000). *The Road to Nowhere: The Evidence for Travelling Criminals*. Home Office Research Study 207.